

بی‌یال و دم و اشکم

سعید اکبری نژاد^۱

اصطلاحنامه نما: نظام مبادله اطلاعات علمی - فنی، مجری ملوک‌السادات بهشتی، ناظر حسین غربیی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵.

بر دیوار شرقی دفتر گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران لوحی آویزان است. بر این لوح نام تعدادی از کتابداران و سندداران حک شده است. به نظر می‌رسد نام اولین گروه دانشجویان دوره کارشناسی ارشد کتابداری باشد. از آن زمان حدوداً سی سال می‌گذرد. بیش از ربع قرن است که فکر تهیه و تدوین اصطلاحنامه و سرعنوانهای موضوعی فارسی مطرح شده است و اولین سرعنوانهای موضوعی فارسی نیز در سال ۱۳۶۲ منتشر شد؛ البته پیش از آن هم سرعنوانهای موضوعی در اندازه‌های کوچکتر چاپ شده بود. تاکنون نیز انواع و اقسام اصطلاحنامه‌ها و سرعنوانها منتشر شده است. به بیان دیگر سی سال است که رسماً با کتابداری و سندداری و دانش تهیه فهرستهای موضوعی آشنا شده‌ایم. ولی باید از خود پرسید چرا باید پس از گذشت سی سال و پشت سر گذاشتن آن همه نتایج درخشان، اصطلاحنامه‌ای به این صورت چاپ و منتشر شود؟ گویی که همین امروز کتابداری وارد ایران شده است. گویی آن همه تجربه، دانش، آزمون و خطا، کارشناسی ارشد، دکتری اروپا و امریکا رفته دود شده و به هوا رفته است. بررسی و شناخت چنین حرکاتی از دید روانشناسی و جامعه‌شناسی قابل توجه است.

۱. کارشناس ارشد معاونت پژوهشی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شروع ماجرا

یکی از روزها که مشغول نمایه‌سازی بودم یکی از همکاران سررسید و خبر چاپ اصطلاحنامه‌ما را داد و دو جلد کتاب آبی رنگ را روی میز گذاشت، و اشاره کرد که این اثر ترجمه اسپاین^۱ است و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ناشر آن. کتابها را برداشتم و ورقی زد، صفحه عنوان، پشت صفحه عنوان. در پشت صفحه عنوان نام پانزده نفر را به عنوان مجری، ناظر، ویراستار، و سایر همکاران مشاهده کردم و در ذهنم این طور محک زدم که کتاب احتمالاً کتاب خوبی است. زیرا کتاب را سازمانی منتشر کرده است که خود را متولی نمایه‌سازی می‌داند و دست‌اندرکاران آن نیز همه از سندداران با تجربه هستند.

در همان بررسی ابتدایی عبارت ویرایش اول نظر را به خود جلب می‌کرد. معمولاً ویرایش دوم و بعد از آن را روی صفحه عنوان یا جلد ذکر می‌کنند. عنوان روی جلد با عنوان صفحه عنوان متفاوت است؛ بر روی جلد اثری از نما نیست. در روی جلد میان حرفهای عنوان فاصله گذاشته شده است به جز میان "لاح"، اما تمام اینها و حتی بیش از اینها هم جزئیات است و می‌توان از آنها صرف‌نظر کرد. اساساً کار چاپ و نشر در این دیار، آن هم انتشارات دولتی، پر است از این ظرایف! ولی ضمن تورق به موردی برخورد کردم که در جا میخ‌کوب شدم. در ستون اول صفحه ۲۵۷ چنین آمده بود.

Turkey

ترکیه

ا.ع.

پرندگان

مهره‌داران

اندامگان (زیست‌شناسی)

حیوانات

چیز جدید و بدیعی بود. از سر کنج‌کاوی به اصطلاح بو قلمون مراجعه شد و با تعجب عکس همان اشتباه مشاهده شد.

Turkeys

بو قلمون‌ها

ا.ع.

اروپای غربی

اروپا

غرب آسیا

آسیا

کشورهای مدیترانه

اینجا بود که احساس کردم صلاح است کتاب را برای چند روزی امانت بگیرم و اندیشه اولیه و محک ابتدایی‌ام را در مورد کتاب بررسی کنم.

نقش مقدمه

در صفحه ج در پیشگفتار آمده است که: "... به عنوان اولین گام، در صدد ترجمه اصطلاحنامه کلان [Macrothesaurus] ... SPINES... برآمد...". بنابراین مجری این طرح مسؤلیتی در قبال محتوای اثر ندارد بلکه فقط در مورد فرم و شکل آن مسؤل است. اما مواردی که در ذیل می‌آید توجه را به خود جلب می‌کند:

۱. رایج‌ترین املای زبان انگلیسی اتخاذ شده است و تلاشهایی نیز برای گنجاندن گونه‌های امریکایی به عنوان غیرتوصیفگر صورت گرفته است.

۲. فقط حروف بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳. فقط از اعداد عربی مثل (... و ۳ و ۲ و ۱) استفاده می‌شود.

۴. اختصاراتی که به طور گسترده پذیرفته شده‌اند و یا نمایه‌ساز با آن ... مثل تحقیق و توسعه

R&D، علم و تکنولوژی S&T... "شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی"

در اینجا بود که نگارنده متوجه شد که اصطلاحنامه‌ای که رایجترین املای زبان انگلیسی را استفاده می‌کند و گونه‌های امریکایی را غیرتوصیفگر قرار می‌دهد، فقط از حروف بزرگ سود می‌برد، به اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ... اعداد عربی می‌گوید و اختصارات R&D و S&T برایش پذیرفته شده است، متن انگلیسی اصطلاحنامه اسپاین است نه متن ترجمه‌ای آن به فارسی با عنوان اصطلاحنامه نما. به عبارت دیگر متن مقدمه اسپاین ترجمه شده و عیناً در مقدمه اصطلاحنامه نما قرار گرفته است بدون اینکه اطلاعاتی در مورد نما بدهد. کار تا جایی بالا می‌گیرد که در صفحه ۳ و ۴ ش می‌خوانیم:

"اصطلاحنامه در این شکل به ۷ صورت مکمل ارائه شده است.

- فهرست الفبایی ساخت‌دار

- فهرست سازمانها و طرحهای بین‌المللی

- فهرست موضوعی توصیفگرها

- فهرست‌گردان توصیفگرها

- فهرست فرانسوی - انگلیسی ..."

و در ذیل فهرست الفبایی ساخت‌دار آمده است. "این فهرست، قسمت اصلی اصطلاحنامه را تشکیل می‌دهد که در صفحات ۱ تا ۷۰۹ چاپ شده است." در صورتی که در صفحه ۷۰۹ حرف "ل" به پایان می‌رسد و دو صفحه آن طرفتر حرف "م" اصطلاحنامه شروع می‌شود. بخش اول اصطلاحنامه نما که فارسی اسپاین است ۸۹۷ صفحه دارد. از آن ۶ صورت مکمل باقی مانده و چند نوع فهرست فلان زبان به فلان زبان هیچ اثری نیست و فقط فهرست انگلیسی به فارسی آمده است که اثری از این یکی در مقدمه نیست.

نگارنده نمی‌داند توانسته است مقصود را درست بیان کند یا نه؟ اصطلاحنامه‌ای ترجمه شده است. این اصطلاحنامه به دلیل ترجمه ساختار جدیدی پیدا کرده است، ۶ بخش آن حذف و یک بخش به آن افزوده شده است و ... حال این کتاب جدید نیاز به مقدمه‌ای دارد که اصطلاحنامه‌نما را معرفی کند و اطلاعات آن را توضیح دهد ولی در عوض عین مقدمه متن اصلی، اسپاین انگلیسی، ترجمه شده و در ابتدای اصطلاحنامه نما آمده است. یعنی کلیه استفاده کنندگان اسپاین می‌توانند این مقدمه را از اصطلاحنامه نما جدا کنند و به اسپاین بچسبانند، زیرا میان مقدمه نما با متن آن هیچ ارتباطی نمی‌توان یافت. اما در این میان این سؤال به ذهن خطور می‌کند که چگونه آن پانزده نفر این اشتباه را ندیده‌اند؟

ارجاعات

یکی از مهمترین ویژگیهای هر لیست موضوعی، اعم از سرعنوان موضوعی یا اصطلاحنامه، وجود ارجاعات است. هر مفهوم با اصطلاحات و واژه‌های متفاوتی بیان می‌شود. مثلاً کامپیوتر را با رایانه، ماشینهای محاسب، مغز الکترونیکی و ... نیز می‌شناسند. پدید آورندگان هر لیست موضوعی با توجه به تداول اصطلاحات نزد متخصصان یکی از این اصطلاحات را انتخاب می‌کنند و از سایر اصطلاحات به آن ارجاع می‌دهند. این چنین نظامی باعث می‌شود که نمایه‌ساز در زمان نمایه‌سازی با هر اصطلاحی که به اصطلاحنامه مراجعه کند به اصطلاح مرجع دسترسی یابد. همین ارجاعات در برگه‌دان یا نظام کامپیوتری راهنمایی برای کاربر از سیستم خواهد بود تا بتواند به اصطلاح مرجع دسترسی یابد. نبود این ارجاعات مشکلات بسیاری را برای نظام ذخیره و بازیابی ایجاد می‌کند.

در صفحات ذ و ر اصطلاحنامه نما آمده است که اصطلاحنامه اسپاین نیز این ارجاعات را داشته است. در این صفحات زیر بخش روابط هم ارز می‌خوانیم: "... تمام غیر توصیفگرها توسط یک ارجاع بکار برید Use ... می‌آیند." فهرست اصطلاحات هم‌ارز نامرجم نیز بعد از "بکار برید بجای" UF در زیر اصطلاح مرجع لیست شده است. در مورد ارجاع "بکار برید بجای" یا UF حتی یک نمونه نمی‌توان در اصطلاحنامه نما یافت. از آن ۳۴۶۸ اصطلاح ارجاعی نیز کمتر نشانی در این

اصطلاحنامه دیده می‌شود. مثلاً همین ارجاعات کامپیوتر را نمی‌توان در سرتاسر متن یافت. باید تذکر داد که تعداد اصطلاحات مرجح یا توصیفگر می‌تواند برابر اصطلاحات متن اصلی باشد ولی تعداد ارجاعات بستگی تام به اصطلاحات موجود در زبان فارسی دارد، یعنی می‌توان در برابر هر اصطلاح انگلیسی به کار رفته در اسپاین یک برابر نهاد فارسی گذاشت ولی در برابر ارجاعات نمی‌توان این کار را کرد. ارجاعات را نمی‌توان ترجمه کرد. بنا بر این هر ترجمه‌ای از اصطلاحنامه‌ای لاجرم نیاز به تدوین ارجاعات به زبان فارسی دارد. این امر یکی از دلایلی است که باعث می‌شود که به نفع ترجمه اصطلاحنامه شک کنیم.

توضیحگر

در صفحه دو ذیل بندج می‌خوانیم: "...برای تمایز معانی متفاوت کلمات هم آوا... یک علامت یا توضیحگر... در داخل پرانتز... قرار می‌گیرد. یکی از مثالها هم زمین (سیاره) است. یعنی تدوین کنندگان اسپاین اعتقاد داشته‌اند برای اصطلاحنامه داشتن توضیحگر لازم و ضروری است. ولی به نظر می‌رسد مسئولان اصطلاحنامه‌نما چنین اعتقادی نداشته‌اند برای همین است که جلوی اصطلاحات زیر هیچ‌گونه توضیحگری نگذاشته‌اند.

Civil wars	جنگ داخلی
Internal warfare	جنگ داخلی
Duplicating equipment	تجهیزات تکثیر
Reprographic equipment	تجهیزات تکثیر
Polytechnical education	آموزش فنی
Technical education	آموزش فنی

پاره‌ای از توضیحگرها هم مترادف توصیفگر هستند مثل:

Acoustic environment	محیط صوتی (آوایی)
Alcoholism	الکلسم (می‌بارگی)

در این دو مثال نه تنها توضیحگر معنی توصیفگر را بهتر بیان نکرده است بلکه اساساً نیازی به آن نبوده است زیرا هر کدام اصطلاح دیگری برای توصیفگر بوده است. در این حالت محیط آوایی و می‌بارگی می‌تواند ارجاعات توصیفگر اصلی باشد. گذشته از آن توضیحگر باید ارتباط معنایی نزدیکی با توصیفگر داشته باشد در این صورت نای (در زیست‌شناسی) بهتر است به صورت نای (دستگاه تنفس) تغییر یابد.

نادیده گرفتن نظم و ترتیب و عدم رعایت یکدستی نیز از بدیهیات است. به عنوان مثال می‌توان از زهره (نجوم)، مشتری (برجیس)، و عطارد (سیاره) یاد کرد که تماماً گوشه‌ای از ناهماهنگیها را

نشان می‌دهد.

یادداشتها

در صفحه ۴ در ذیل بند ج می‌خوانیم: "اگر توصیفگر بیش از یک معنی در زبان طبیعی داشته باشد، یا... برای مشخص نمودن معنای مورد نظر از یادداشت دامنه (ی.د) استفاده می‌شود...". اینجا هم به نظر می‌رسد که تهیه کنندگان اصطلاحنامه اسپاین به خطا رفته‌اند. زیرا اصطلاحنامه نما حتی یک مورد یادداشت دامنه ندارد و به نظر می‌رسد به جایی هم بر نخورده است. مطمئناً نمایه‌سازان نیز از مفهوم توصیفگرهایی مانند انتقال عمودی صنعت، تصادفی کردن و... مطلع هستند. یا اساساً تفاوت منابع انرژی و منابع نیرو برای همگان مشهود است که هر دو توصیفگر شده است.

جمع و مفرد

در صفحه ۴ آمده است: شکل مفرد برای توصیفگرهایی به کار می‌رود که... به طور کلی مفاهیم غیر قابل شمارش هستند. مثالها:

Viscosity	ویسکوزیته
Planning	برنامه‌ریزی

در ادامه همین بند می‌خوانیم: شکل جمع برای توصیفگرهایی به کار می‌رود که بیان‌کننده خواص... و به طور کلی مفاهیم قابل شمارش (اسامی قابل شمارش) هستند. مثالها

Mechanical properties	خواص مکانیکی
Plastics	پلاستیکها
Tools	ابزار
Explosions	مواد منفجره
Stars	ستاره‌ها

همان طور که مشهور است ابزار کلمه مفرد است، و با توجه به ابزارهای علمی که در صفحه ۳۹ آمده است، جمع آن ابزارهاست. در مورد حکمهای کلی که در اسپاین آمده است بحث بسیار است ولی احتمالاً نمی‌توان مواد منفجره یا پلاستیکها را شمرد، مگر انواع آنها را، که در آن صورت برنامه‌ریزی هم قابل شمارش خواهد بود. ولی گذشته از اینها معلوم نیست مترجم، یا مجری طرح، چه کرده است. آیا می‌توان آبهای زیرزمینی، آبهای سطحی، بتن‌ها، خاک‌ها، و... را شمرد. راستی چرا می‌توانیم جنگلها را بشماریم و جنگ را نمی‌توانیم؟ چرا باید گوش، چشم، و پا داشت ولی در عوض دستها و دندانها هم داشت؟ چه فرقی میان بدهی داخلی، بدهی عمومی با بدهی‌ها و بدهی‌های جاری است؟ فرق اساسی مهاجرت داخلی و مهاجرت دائمی با مهاجرت‌های جمعیتی یا

مهاجرتهای موقتی در چیست؟ برای دست‌اندرکاران این اصطلاحنامه جالب خواهد بود که بدانند ویراستاران سرعنوانهای موضوعی فارسی پس از سی سال کار مداوم هنوز نتوانسته‌اند قوانین دقیقی برای جمع و مفرد تدوین کنند. در سرعنوانهای موضوعی برای پاره‌ای از موارد قواعدی وضع کرده‌اند و در نهایت نیز آورده‌اند که: "... همان طور که کراراً در این مقدمه گفته شده است سرعنوانهای موضوعی فارسی تابع ویژگیهای زبان فارسی است و هرگاه خلاف قواعد فوق در موردی خاص به گوش اصلاح آمده، همان ترکیب به کار برده شده است. مثل نجات غریق به جای نجات غریقها یا گاواهن نه گاواهنها". حال سؤال اساسی این است که آیا مجری این طرح سرعنوانها موضوعی فارسی را دیده است؟ با آن آشناست؟ آن را مطالعه کرده است؟ به جرأت می‌توان گفت نه! البته این تعداد اشتباه مثنی از خروار است و گرنه دهها مورد از این اشتباهها را می‌توان در این اصطلاحنامه دید.

اصطلاحات فارسی

معمولاً سعی می‌کنند که از اصطلاحات آشنای هر علم یا فن در اصطلاحنامه استفاده کنند. معمولاً ویراستاران و مترجمان چنین اصطلاحنامه‌هایی نیز به خود حق نمی‌دهند که اصطلاح‌سازی کنند و در اصطلاحنامه بگنجانند. برای بررسی اصطلاحهای این اصطلاحنامه باید وقت زیادی صرف کرد که از توان این نگارنده خارج است. ولی ضمن تورق پاره‌ای از اشکالات دیده شد که در اینجا ذکر می‌شود.

اصطلاحنامه نما	اسپاین	صحیح
پلیس نظامی	Military police	دژبان
مهندسان صنعتی	Industrial engineers	مهندسان صنایع
جامعه (آمار)	Population (statistics)	جامعه آماری
ماشین‌های درون‌سوز	Internal combustion engines	موتورهای درون‌سوز
توپولوژی ترکیب‌اتی	Combinational topology	توپولوژی ترکیبی
جنگهای جنب حاره	Subtropical forests	جنگهای نیمه‌استوایی
جامعه‌شناسی دینی	Sociology of religion	جامعه‌شناسی دین
تعلیم و تربیت	Pedagogy	پداگوژی

البته جالب است که بدانیم مترجم محترم در مقابل Education، آموزش و پرورش را قرار داده‌اند و در مقابل Pedagogy، تعلیم و تربیت. به نظر می‌رسد در زبان فارسی آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت بیانگر یک مفهوم باشند. در ضمن دستنامه از نظر فارسی ترکیبی اشتباه است و نمی‌توان آن را معادل Manual فرض کرد.

اما مسئله مهمتر توضیحاتی است که در پیشگفتار آمده است. مترجم محترم در پیشگفتار می‌گوید که برای تعیین اصطلاحات هم به منابع و هم به متخصصان امر مراجعه کرده‌اند، ولی در هیچ جای این کتاب نامی یا فهرستی از این منابع و متخصصان را ذکر نمی‌کنند. این فهرستها به اعتبار ترجمه می‌افزاید، و در ضمن خواننده را متوجه می‌کند که چه متخصصانی به دژبان، پلیس نظامی؛ به مهندس صنایع، مهندس صنعتی؛ به توپولوژی ترکیبی، توپولوژی ترکیباتی و ... می‌گوید. یا کدام متخصص آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش را دو اصطلاح متفاوت برای دو مفهوم می‌داند؟ البته این تعداد اشتباه در کمتر از نیم ساعت پیدا شده است مسلماً بررسی دقیقتر و عمیق‌تر تعداد بسیاری از این اشتباهات را هویدا خواهد کرد.

اعم و اخص

شکل ارائه مطالب نیز باید همیشه گویا و مطابق ضوابط باشد. در اسپاین ارجاعات اعم و اخص زیر هر اصطلاح آمده است. این ارجاعات در یک ردیف زیر هم مرتب شده‌اند. در سمت چپ هر اصطلاح نیز کدهایی به شکل bt2, bt1 و ... یا nt2, nt1 و ... آمده است. این کد بیانگر نوع ارجاع و سلسله مرتبه آن است.

Product education

bt1 Education systems

nt1 First stage higher education

به بیان دیگر bt1 نشان‌دهنده آن است که اولین رده عامتر برای اصطلاح Product education، Educational systems است. nt1 نیز نشان می‌دهد که اولین رده خاص‌تر برای اصطلاح یادشده، اصطلاح First stage higher education است. حال اگر در اسپاین bt2 بود یک رده عامتر از bt1 است و مانند آن.

اصطلاحنامه نما تمام این کدها را حذف کرده و به شیوه زیر عمل کرده است.

باقیمانده‌های آفت‌کش

اع. آفت‌کش‌ها

آلاینده‌ها

تخریب محیط زیست

همین شیوه برای اصطلاحات اخص نیز رعایت شده است. غافل از اینکه در هر نمایه از عبارت تورفته‌تر برای بیان زیر مجموعه اصطلاح اصلی استفاده می‌کنند. در این حالت تخریب محیط زیست زیر مجموعه آلاینده‌ها محسوب خواهد شد. در صورتی که تخریب محیط‌زیست عامتر از آلاینده‌ها است (۲).

یادداشتها:

۱. گویند پهلوانی به رسم روزگار نزد خال‌کوبی رفت و نقش شیری را بر بازوی خود طلب کرد. استاد خال‌کوب مشغول کار شد. با نیش اولین سوزن فغان پهلوان به هوا خاست. از استاد پرسید کجای شیر است؟ استاد گفت پال آن. پهلوان گفت از آن درگذر. همین ماجرا بر دم و شکم شیر نیز گذشت.
۲. گویند جوانی به شاگردی نزد آهنگری شد. به نیم روزی از دکان بدر شد و دگر باز نیامد. روزی استاد، جوان در راه بدید و حال او جويا شد. جوان گفت: دکان آهنگری باز خواهم کرد. اینکه فلر در کوره نهند بر آن پتکی زنند و بیل سازند و گاه نوکش گیرند و کلنگ سازند نیاز به شاگردی ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی